

نداء خلق

وظيفه مطبوعات در يك مملكت!!!

در همه دنياهدف روز نامه های ملی (یعنی انبساطیکه به دولت نشر نشده و از طرف خلق نشر میشود) عبارت از آگاه ساختن مردم بحقوق شان روشن ساختن جریان امور در مملکت - مبارزه برای احقاق حق خلق - تنویر افکار مردم و مبارزه با افکار شوم و مخالف مفاض خلق و تنویر مردم بتوحید سعی و عمل - نشر انعکاسات افکار مردم در مورد سیاست حکومت - پلانها و پروژه های آن - حرکات خلاف قانون مامورین - روشن ساختن مظالم و سیاه روزی - و جگرنگی امور در مملکت بوده و هر کس حق دارد ازادانه نظریات و عقاید خود را اظهار و روز نامه ها افکار مردم را بی کم و کاست (و یا صرف پس از اصلاحات ادبی) باید نشر نماید - در ممالکی که احزاب سیاسی موجود بوده روزنامه های حزبی هم در مملکت موجود و آنها افکار و نظریات و مرام حزب خویش را در ساحه سیاسی و اقتصادی و نشر و مرام و عقاید مخالفین خود انتقاد میکنند - او را قی مطبوعات ممالک را ورق بزنید - مثلاً مجله مشهور هفته وارنیز و يك منشوره در امریکا را بخوانید - در هر شماره آن کاریکاتورهای ترومن - ایژن هاو وکلا و وزرا را مطالعه و مشاهده میکنید که نه تنها پلان و پروژه و سیاست حکومت ازادانه تنقید کرده بلکه در تحت عنوان پیرو مسکوپ از اسرار پشت پرده حرف زدند و حتی واضحا اشکال عجیب و غریب و بیس جهیز و سائر اشخاص پرازانده مملکت اسماءشان را هم می نویسند - کذا بصورت متقابل روزنامه ها و مجلات هر ملت کاریکاتورهای زعماء رؤسای دول مخالف خود را نیز نشر و آنها را پلانها و سیاست شان را مسخره میکنند - اما در مملکت ما طوریکه در همه ساحه های زنده گی فاقد همه چیز بوده و حتی از مستعمرات دیروزه انگلستان مثل هندو مستعمرات افریقائی آن هم بمراتب در ساحه اقتصادی و

شاغلی سمدالدین خان بهاء

پیشهاد دو ستانه بطرفداران وحدت ملی مرام یگانه ملت و مخصوصاً مغزین از همه گفتن ها و اثر شدن هافقط و فقط ایجاد يك مفکوره ثور سوق دادن ذہنیتهای توده بسوی همان يك سلسله ارزش ها و است که تمام ان را جمله مقدسه (وحدت ملی) استوا میکند - برای اینکه به مرام ملی خویش را بیل شویم باید موانع ندیده را که در جلو عزم و اراده خود داریم بر طرف و صاف و پیوسته کرده حرف بزنیم - ما یکسانیکه استفاده خود را مربوط به پاشیدن تخم نفاق و تفرقه دانسته و از حاصل آن مستفید میشوند سروکاری نداریم - بلکه روی قلم ما بطرف ان طبقه جوان و ملت دوستی است که دعوت ما را پذیرفته و با يك قلب صاف برای این خدمت ملی حاضر میشود در حالیکه همگی به فکر تحکیم این بنای مقدس بوده و با تمام قوا و موجودیت مادی و معنوی خویش بسوی يك هدف مصمم میرویم - باید جزئی ترین اعمال و حرکات خویش را تدقیق و اولتر از همه باصلاح و تراقصی که طوطو قصدی و یا غیر شموری از قلم و زبان ما بروز میکند - تو چه تعامیم - بلی فریضه مسلکی ما ایجاد میکنند که نسبت از همه به کسانیکه با ما هممنوا هستند باید بگوئیم که (چون در سلسله اسباب و موجبات تفرقه ملی امتیازات قومی و نژادی در مرتبه اول عوامل ناکامی ما را فراهم و مساعی ما را در رسیدن به هدف عظیم می سازد - فلذا ما باید خود را ازین گروه (غرض های ملی پاک ساخته و از ان اعراض نمائیم) این لغزش بزرگ بحقیقه بنده عبارت از وضع اسماء تخلصی و یا فامیلی یکدسته از رفقای ما مثل مهدی - صافی - تره کی - داوی و امثال ان است که باید مقدم از همه این اسمارا که شمیم نفاق و تفرقه از آنها احساس میشود بطور کلی ترک و اسماء فامیلی خالص انتخاب نمائیم - و کذا این را هم فرض ملی خود بدانیم که جدول کشان تذکره تفسیر در

شاغلی انگار

مصادره بدون تحقیق و محاکمه

خواستنده گان میدانند که شماره روز يك شنبه انگار را خلاف

ماده ۴۶ قانون مطبوعات که مرکز قضاوت و تحقیق جرایم

ملی را ریاست مطبوعات تصین نموده است بقره پو لیس -

قو ماندانی بدون کدام امر تحریری ضبط مصادره گردید و

در همان روز - روز نامه انیس نوشت که شماره امروزه انگار

بر طبق ماده ۱۴ فصل پنجم قانون مطبوعات مصادره گردید

کار کتان جریده انگار از یکطرف خوش شد و در محیط

ما کم کم میخواهند قوانین را تطبیق کنند و دیگر سیستم

بگیر و بکش و بپند را از پهن میبرند - ولی از جانب دیگر

در اثر این اقدام چند سوال وارد میشود :

اول (چرا پو لیس قو ماندانی بدون اینکه امری از ریاست

مطبوعات و یا از قو ماندانی داشته باشد فقط با استدلال

امر شفاهی شماره های روز یکشنبه انگار را با متتمل آن

ضبط کرد و برد ؟ در صورتیکه نه در مملکت حکومت نظامی

اعلان شده و نه بکدام امر ریاست مطبوعات درین باره

جواب رد داده شده بود .

دوم (چرا خلاف ماده ۴۶ قانون مطبوعات ماموریت -

پو لیس ناحیه چندول مدیر انگار را جلب و به تحقیقات در

باره مرام اخبار و غیره که مربوط ریاست مطبوعات است

پو داخت - چه مرجع تحقیق و قضاوت ریاست مطبوعات است

سوم (برای اینکه خواننده گان ما از محتویات فصل پنجم

ماده ۱۴ قانون مطبوعات خوب واقف شدند ما ماده مذکوره

را عینا نقل میکنیم (نشرات مغل امنیت و خلاف روز -

مشروطیت و پروپا گند بر خلاف وحدت ملی ممنوع است -

اگر روز نامه و مجله و رساله موقوفه باشد علاوه بر مصادره

همان نسخه مدیر مسئول و نگارنده الی چهار ماه عایدات

جریمه و از ششماه الی پنج سال از دوائر رسمی طرد میشود و روزی که

و هم دوان مدت برایش اجازه نشرات داده نمیشود - و

اگر نشرات ان عملا باعث اخلا ل امنیت گردد مطابق

اصول موضوعه مجازات میگردد (حالا ما از مصادره کننده

گان میپرسیم که کدام مضمون ان شماره مغل امنیت و یا

خلاف رژیم مشروطیت و یا پروپا گند بر خلاف وحدت

ملی بود ؟ آیا در کدام مجلس و در کدام محکمه قانونی

قابل مصادره بودن روزنامه مذکور فیصله و بکدام دلیل -

قانونی خبر مصادره ان در روز نامه رسمی انیس نشر شد

اگر هر آمر خوشی مفسر و معبر قانون بوده و بدون دایر

ساختن محاکمه و احضار مدعی علیه وایراد پراهن و -

احضار شواهد و بدون طی مراتب قانونی حکمی را در معر فی

اجرا بگذارند پس بنشر قوانین احتیاجی نبوده و هر آمر چه

را مطابق قانون میدانست مکافات و آنچه را مخالف بشود

مجازات میداد - در حالیکه حاکم قانون است نه فکر شخصی

یک فرد - این بود عرا بعضی ما نمیدانیم خواننده گان چه

میگویند .

بقیه پیشنهاد دوستانه . .

را هم باین اشتباه بزرگ شان ملتفت سازیم زیرا اورا یک

برای تفویض افغانستان توزیع میشود تذکره تابعیت است

نه تذکره قومیت - هکذا اورا ق تعهد نامه اولیای طلاب

معارف و غیره و تالیق نیز بدون احساس کدام ضرورت دارای

ستون و وضوح قومیت بوده و روح تفرقه و نفاق را دانه

یا نادانسته پند هن مردم سپرده و هر لحظه از جلو

انظار شان میگذرانند - این است قدم های کرچک و لسی

اساسی و بزرگی که باید در راه تامین وحدت ملی برداریم

گفتار معلم

شاغلی فتح محمد خان دقیق

ماندست نهفته بدل زار معلم

بیکار مده گوش گفتار معلم

عمویست پی کسب هنر بر زده دامن

تجدید نشد چهل و پیزار معلم

ماهان قلیل است ولی خرج فروخته

دل چشمه خون است

کس نیست درین غمگده غمخوار معلم

دیدیم که جز دست تهی هیچ ندارد

تا قوت ندارد

گر ندیده گرو لنگی و دستار معلم

ای یار معلم

شب خانه جو آید نبود در دل احوال

از گریه اطفال

روز است هریشان همه افکار معلم

گفتار معلم

دردی است مکرر ز دماغش متصاعد

تا شد متقاعد

از ادبار معلم

میداد کند بخت تگوتسلر معلم

از ادبار معلم

جریمه و از ششماه الی پنج سال از دوائر رسمی طرد میشود و روزی که

و هم دوان مدت برایش اجازه نشرات داده نمیشود - و

اگر نشرات ان عملا باعث اخلا ل امنیت گردد مطابق

اصول موضوعه مجازات میگردد (حالا ما از مصادره کننده

گان میپرسیم که کدام مضمون ان شماره مغل امنیت و یا

خلاف رژیم مشروطیت و یا پروپا گند بر خلاف وحدت

ملی بود ؟ آیا در کدام مجلس و در کدام محکمه قانونی

قابل مصادره بودن روزنامه مذکور فیصله و بکدام دلیل -

گفتار معلم

شاغلی فتح محمد خان دقیق

ماندست نهفته بدل زار معلم

بیکار مده گوش گفتار معلم

عمویست پی کسب هنر بر زده دامن

تجدید نشد چهل و پیزار معلم

ماهان قلیل است ولی خرج فروخته

دل چشمه خون است

کس نیست درین غمگده غمخوار معلم

دیدیم که جز دست تهی هیچ ندارد

تا قوت ندارد

گر ندیده گرو لنگی و دستار معلم

ای یار معلم

شب خانه جو آید نبود در دل احوال

از گریه اطفال

روز است هریشان همه افکار معلم

گفتار معلم

دردی است مکرر ز دماغش متصاعد

تا شد متقاعد

از ادبار معلم

میداد کند بخت تگوتسلر معلم

از ادبار معلم

جریمه و از ششماه الی پنج سال از دوائر رسمی طرد میشود و روزی که

و هم دوان مدت برایش اجازه نشرات داده نمیشود - و

اگر نشرات ان عملا باعث اخلا ل امنیت گردد مطابق

اصول موضوعه مجازات میگردد (حالا ما از مصادره کننده

گان میپرسیم که کدام مضمون ان شماره مغل امنیت و یا

خلاف رژیم مشروطیت و یا پروپا گند بر خلاف وحدت

ملی بود ؟ آیا در کدام مجلس و در کدام محکمه قانونی

قابل مصادره بودن روزنامه مذکور فیصله و بکدام دلیل -

گفتار معلم

شاغلی فتح محمد خان دقیق

ماندست نهفته بدل زار معلم

بیکار مده گوش گفتار معلم

عمویست پی کسب هنر بر زده دامن

تجدید نشد چهل و پیزار معلم

ماهان قلیل است ولی خرج فروخته

دل چشمه خون است

کس نیست درین غمگده غمخوار معلم

دیدیم که جز دست تهی هیچ ندارد

تا قوت ندارد

گر ندیده گرو لنگی و دستار معلم

ای یار معلم

شب خانه جو آید نبود در دل احوال

از گریه اطفال

روز است هریشان همه افکار معلم

گفتار معلم

دردی است مکرر ز دماغش متصاعد

تا شد متقاعد

از ادبار معلم

میداد کند بخت تگوتسلر معلم

از ادبار معلم

جریمه و از ششماه الی پنج سال از دوائر رسمی طرد میشود و روزی که

و هم دوان مدت برایش اجازه نشرات داده نمیشود - و

اگر نشرات ان عملا باعث اخلا ل امنیت گردد مطابق

اصول موضوعه مجازات میگردد (حالا ما از مصادره کننده

گان میپرسیم که کدام مضمون ان شماره مغل امنیت و یا

خلاف رژیم مشروطیت و یا پروپا گند بر خلاف وحدت

ملی بود ؟ آیا در کدام مجلس و در کدام محکمه قانونی

قابل مصادره بودن روزنامه مذکور فیصله و بکدام دلیل -

گفتار معلم

شاغلی فتح محمد خان دقیق

ماندست نهفته بدل زار معلم

بیکار مده گوش گفتار معلم

عمویست پی کسب هنر بر زده دامن

تجدید نشد چهل و پیزار معلم

ماهان قلیل است ولی خرج فروخته

دل چشمه خون است

کس نیست درین غمگده غمخوار معلم

دیدیم که جز دست تهی هیچ ندارد

تا قوت ندارد

گر ندیده گرو لنگی و دستار معلم

ای یار معلم

شب خانه جو آید نبود در دل احوال

از گریه اطفال

روز است هریشان همه افکار معلم

گفتار معلم

دردی است مکرر ز دماغش متصاعد

تا شد متقاعد

از ادبار معلم

میداد کند بخت تگوتسلر معلم

از ادبار معلم

جریمه و از ششماه الی پنج سال از دوائر رسمی طرد میشود و روزی که

و هم دوان مدت برایش اجازه نشرات داده نمیشود - و

اگر نشرات ان عملا باعث اخلا ل امنیت گردد مطابق

اصول موضوعه مجازات میگردد (حالا ما از مصادره کننده

گان میپرسیم که کدام مضمون ان شماره مغل امنیت و یا

خلاف رژیم مشروطیت و یا پروپا گند بر خلاف وحدت

ملی بود ؟ آیا در کدام مجلس و در کدام محکمه قانونی

قابل مصادره بودن روزنامه مذکور فیصله و بکدام دلیل -

گفتار معلم

شاغلی فتح محمد خان دقیق

ماندست نهفته بدل زار معلم

بیکار مده گوش گفتار معلم

عمویست پی کسب هنر بر زده دامن

تجدید نشد چهل و پیزار معلم

ماهان قلیل است ولی خرج فروخته

دل چشمه خون است

کس نیست درین غمگده غمخوار معلم

دیدیم که جز دست تهی هیچ ندارد

تا قوت ندارد

گر ندیده گرو لنگی و دستار معلم

ای یار معلم

شب خانه جو آید نبود در دل احوال

از گریه اطفال

روز است هریشان همه افکار معلم

گفتار معلم

دردی است مکرر ز دماغش متصاعد

تا شد متقاعد

از ادبار معلم

میداد کند بخت تگوتسلر معلم

از ادبار معلم

جریمه و از ششماه الی پنج سال از دوائر رسمی طرد میشود و روزی که

و هم دوان مدت برایش اجازه نشرات داده نمیشود - و

اگر نشرات ان عملا باعث اخلا ل امنیت گردد مطابق

اصول موضوعه مجازات میگردد (حالا ما از مصادره کننده

گان میپرسیم که کدام مضمون ان شماره مغل امنیت و یا

خلاف رژیم مشروطیت و یا پروپا گند بر خلاف وحدت

ملی بود ؟ آیا در کدام مجلس و در کدام محکمه قانونی

قابل مصادره بودن روزنامه مذکور فیصله و بکدام دلیل -

گفتار معلم

شاغلی فتح محمد خان دقیق

ماندست نهفته بدل زار معلم

بیکار مده گوش گفتار معلم

عمویست پی کسب هنر بر زده دامن

تجدید نشد چهل و پیزار معلم

ماهان قلیل است ولی خرج فروخته

دل چشمه خون است

کس نیست درین غمگده غمخوار معلم

دیدیم که جز دست تهی هیچ ندارد

تا قوت ندارد

گر ندیده گرو لنگی و دستار معلم

ای یار معلم

شب خانه جو آید نبود در دل احوال

از گریه اطفال

روز است هریشان همه افکار معلم

گفتار معلم

دردی است مکرر ز دماغش متصاعد

تا شد متقاعد

از ادبار معلم

میداد کند بخت تگوتسلر معلم

از ادبار معلم

جریمه و از ششماه الی پنج سال از دوائر رسمی طرد میشود و روزی که

و هم دوان مدت برایش اجازه نشرات داده نمیشود - و

اگر نشرات ان عملا باعث اخلا ل امنیت گردد مطابق

اصول موضوعه مجازات میگردد (حالا ما از مصادره کننده

گان میپرسیم که کدام مضمون ان شماره مغل امنیت و یا

خلاف رژیم مشروطیت و یا پروپا گند بر خلاف وحدت

ملی بود ؟ آیا در کدام مجلس و در کدام محکمه قانونی

قابل مصادره بودن روزنامه مذکور فیصله و بکدام دلیل -

گفتار معلم

شاغلی فتح محمد خان دقیق

ماندست نهفته بدل زار معلم

بیکار مده گوش گفتار معلم

عمویست پی کسب هنر بر زده دامن

تجدید نشد چهل و پیزار معلم

ماهان قلیل است ولی خرج فروخته

دل چشمه خون است

کس نیست درین غمگده غمخوار معلم

دیدیم که جز دست تهی هیچ ندارد

تا قوت ندارد

گر ندیده گرو لنگی و دستار معلم

ای یار معلم

شب خانه جو آید نبود در دل احوال

شاغلی بناد من

نرخونه ولی راز وازی

به بازار کیشی خورا دیره گرانی ده - قصایان - دودی والا
اوپه والا همداسی نور نور دکانداران هر یو پخیل سر شوی
او خانوته مستقل گئی - د بلدی پی تر خنامو خوک پر داخت
نه کوی - تر خنامی یو دول او د بازار نرخونه بل دول دی
چه هیچ نه مقایسه کیزی *

که خوک د دغور تتر و محتکرانو شوپشته وکری چه وروره ولی
غوبیر، پیاپه خلو رنن او یا پیاپه خلو خرخوی؟ پیه خواب
کیشی وایی چه زه غوبی نه لرم او که وی هم پر تا باندی
نه خرخرم - که پیه همدی قیمت رانیسی بته ترشیه او که
نه هیچ *

همداسی دودی والا او نور نور دکانداران همدامنی -
خوابونه وایی چه د دوی خوابونه د عقل او فکرسره برابر نه
راخی * اوپه - غنم - سهو نه د خارج خخه نه راخی
بول د همدی مملکت خخه موجود پی - نو خه و شو او کوبه تند
ولوبده چه داسی گرانی پیدا شوه - ولی دایر و سیریه ۱۸ او
۲۰ شو یا دا چه سبز کال بارانوته او وایی ونشوی کوبه
وچکالی راغلی یا خه غوبدی *

نه ا معلومه شوه چه د بلدی خا تکه پی دی اتوبی عصر کیشی
خوب دی یا دا چه (مور د وژی د نس نه خبر ندی) *
دکانداران ولی پخیل سر شسی - ولی خهل اجناس گسرا ن
خرخ فکری - ولی چه خوک نی لا س نه نیسی *

د بلدی د پلتنی خا تکه وظیفه خه شی دی؟ ولی پیه هسره
میا شست بازار نه تفتیشی کیزی؟ او محتکرانو ته ولی سزا نه
ور کولی کیزی؟ ولی د خوب خخه نه ویشیزی؟ یا دا چه
مور د بل د حال نه خبر ندی *

خبر های از انس دلخک * نامه نگار خصوص ما اطلاق
مید هد که در شفا خانه علی اباد و مستورات عملیات جراحی
توسط دکور صاحبان داخلی مانند همه وقته در جریانست
میگویند مد دکور محمد عیسی خان که سه سال در شعبه
نسانی کار کرده با وجود نبودن دکور درین شق اجسازه
کار در شعبه نسانیه داده و بحیث شاهد در علی اباد از
کار گرفته میشود *

میگویند وزارت معارف برای باسواد ساختن اکابر کورس مسازد ما
جد از هموطنان گواهی خود تقاضا میکنیم که باین کورسها شامل شو
ولی خدا کند کورسها عمری بوده و مانند دیگر چیزها زود سقوط نکند *

ن شاغلی احمد حیدر خان جو بل - لسانیه

اد بیات

از آمو تا سند

هر کسی کو دوز مانند از اصل خویش

باز جوید روز گلو و ششله خویش

"مولوی بلخی"

نداء خلق

خداوند قوا تین طبیعت را طوری تنظیم

فرموده که اگر بشر طبق ان حرکت می کند و لو غس و

خا شک باشد این سلیقه بجائی میرساند و اگر بر خلاف

مسیر ان راه می پیماید و لو کوهواره عظیم باشد در برابر

امواج که بیکر از پا در می آید - اگر بشر با قوانین طبیعت

همترا است میتواند ان قوا را پیافاد خود بچرخاند از بخار

ما شین ها بکار اندازد - از آب برق بگذرد و از ذره جهانی

را بریان (یا اباد؟) کند - و اگر بسمت مقابل ان در حرکت

باشد اندک بخار ذغال وی را مسموم و درکی اب غرق و در

چند میلی گرام یک ماده کلوش تمام میشود - آمو و سند

سر حد طبیعی قوم افغان است که در این محیط جغرافیائی

زمین و مایست ملیت خود را مستحکم و وحدت ملی خود را

مدست دارند - حوادث سوء و اتفاقات ناگوار روزی دست

الوده و دسیسه کاری را آورد تا خط سیاه و منحوس دپورند

را کشید و انگاه با دسیسه و فریب دو افغان را باین

مطلق که تر از اطراف خط هستی و این از منظر خط از هم

جدا کرد و گشت شما دو با شید تا من حکمرانی کم حال

آنکه هر دو دارای نعمتات مشترک - تاریخ مشترک - ادب

مشترک - آرزو و آمال مشترک - نظام سیاسی و اقتصادی

مشترک و حتی زمین - ژواد - زبان و خون مشترک اند و

ملت واحدی اند - این تقسیم اقتدر مضحک و ظالمانه است

که گویا امتیازی را با یک خط سیاه بدو حصه راست و چپ

تقسیم و غرض گهم آنها دو انسان هستند حال آنکه هر دو

دارای یک دل و یک احساس اند - پس وقتا که طبیعت آمو

و سند را سر حد طبیعی افغان قرار داده حرکت بر خلاف

این مسیر طبیعی خود را قصد دوز و گداز سیل مد حرکت قرار

دادن است که نتیجه ان طبعاً محو زوال است - این

پارچه عزیز که با دسیسه و فریب از افغانستان جدا شده

قرار تا موس طبیعت میبست اتحاد ایشان ضرورت بگیرد و روح

افغانیت دو باره درین بیکر نیم جان ولی صاحب استمداد

بد مد زیرا آمو و سند سر حد خدا داد قوم افغان است

آب اگر صد باره گردد باز با هم ...

حسب الحال ما از زبان حضرت مولوی بلخی :

یکی همیشه می گفت راز با خاسته (وطن !!)

مشو خراب به ناگه مرا بکن اخبار

شبی به ناگه - خانه بر او فرو آمد

چه گفت - گفت کجا شد وصیت بسیار

نگفتمت خبرم کن بوقت افتادن (یا بر باد شدن)

که چاره سازم من با عیال خود بفرا و

نگردیم خبر ای خانه حق صحبت کو

فرو فتادی و کشتی مرا بزاری زار

جواب داد مرا ورافصح ان خاسته (وطن !!)

که چند چند خبر کردم پیل و بهار

ز هر طرف که دهن باز کردم ز شکاف (روزنامه ها)

که طاقم بر سریده است - وقت شد اهرار

همیزی بد هافم ز حرص مشت گان (بازور !)

شکافها همه بستنی سراسر دیوار

ز هر طرف که کشیدم دهن غرو بستنی

نه شستم (و نه بانی) که بگویم چسانم ای ممدار

بدانکه خانه وطن! رنجهاست همچو شکاف

شکافها (روزنامه ها) بتو گیرند که وقت شد هشدار

از گوشه اخبار های رسمی :

ناله های هراتی

خا شمع

خطای اغنیا هر چند بد باشد پسند افتد

کجا عیب غریبان مستقر شد این من راین تو

ز منصبه ارو مامور و مدبر و کاتب و مدشی

کدام از رشوه خوری در گذر شد این من و این تو

حاجیل

تا یکی هر نشود کیسه اخذ و جرم ما

چند سواد ای قلب فرود از سر ما

با چنین خصلت مذمومه بغفلت خواهیم

وای ازان روز که اعمال رسد کفر ما

ع - ص

یکی با خوس و اخرس همچو اول است

دگر هم بزم باو شوخ و شنگی

اعتناق اسلام هراتی

بقیه سر مقاله

معارف - زراعت - صنعت و عمران - عقب ترمیم - درساحه

مطبوعات نیز هنوز گو شهاو چشم هاهمین حقایق اشنا نشده

و تفقیدات ازاد و نظریات پاک مردم را برای اصلاح امور در

مملکت که دو سه روز نامه ملی که تازه پس از سالها انتظار

قوم و اختناق ازادی شان پرویکار آمده اند مخصوصا کسانی را

که این جوانان بمنافع شان صدمه میزند و با اساس محاوره

مشهور بر سر خود پر دارد خوف دارند که مبادا روزی دست

حق از روی جنایات و تجاوزات شان پرده بردارد مضطرب

ساخته و این حرکت را خلاف دیمو کراسی و حق و قانون

حساب میکنند - حال آنکه قرآن حمید در آیه مکره لا یحب

اله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم - به مظلوم حق

میدهد که ازادانه تنقید کرده و حتی بجهر بر علیه کسانی

که با ظلم و ستم حقوق او را غصب مینمایند فریاد و فغان -

نمایند - پس برای ما بحیث يك مسلمان از ارشادات کتساب

حمید سند موثوق تری برای فریاد بر علیه ظلم و استبداد

ظالمین و متجاوزین وجود دارد و آیا قدرتی وجود دارد

که بر خلاف این نص صریح و قوی قرآن حمید امری ندهد

از طرف دیگر جریان او ضاع در ممالک دیمو کراسی همان

است که ما فوقا شرح دادیم پس تنقید بر علیه ظلم

استبداد و کج رویها مطابق با نص صریح قرآن و قوانین

دیمو کراسی که همه ازین سر چشمه قویم فریاد گرفته اند

جایز پرده و برای اصلاح و ارتقاء پیش قدم میکنند

(مجموعه)

مکتوب های وارده

شاهلی میر عبدالغنی خان الف میر میرسد که مسکو تبین علاقه

داری کلکان در حالیکه ۹ هزار نفر نفوس دارند از مکتب -

محروم برده و اولاد های که در مکتب سرایخواجه هم شامل

شده بودند اخراج گردیدند (ما توجه وزارت معارف را

اگر هست شان پیوسته باشد خواهانیم)

شاه علی محمد اختر خان تاجیک خلق را از انکاس افکار

خلق و یگانگی ملی که از احساس مردم نماینده گی میکند

دانسته و از استعداد های عالی و بلند قوم افغان تذکر

داده و متأسفانه که در اثر عدم اهتمامی - اختناق و

فشار سیاه روز مانده اند (خدا کند ما بخود آمده و هاین اختناق

و سیاه روزی خاتمه دهیم)

مطمئنم که گسترش شخصی نداء خلق - کابل